

شهر سوخته

تدریجاً پاره‌زارهای زندگی پنج هزار سال پیش مردم فلات ایران برداشته شد

دوازده روستای سیستان در حدود ۵۰۰۰ سال پیش یکی از آبادترین منطقه‌های خاورمیانه بوده است

دکتر عیسی بهنام

شهر «پمپی» و «فوروم»های متعدد روم شهرت فوق‌العاده‌ای از نظر دقت در روش کاوش پیدا کرده‌اند و در «شهر سوخته» نیز از همان روش‌هایی که در «پمپی» که در نتیجه آتش‌فشانی «وزوو» ناگهان زیر پوسته‌ای از خاکستر پنهان شده بود استفاده نمودند. روی «شهر سوخته» را پوسته‌ای ضخامت ۲۰ سانتیمتر پوشانده بود. این پوشش موجب شده بود که در حدود ۴۰۰۰ سال ویرانه‌های این شهر قدیمی زیر خاک دست‌نخورده باقی بماند. ولی مردم محل در عرض این مدت دراز فراموش نکرده بودند که این تپه باقی‌مانده‌ای از تمدن پیشرفته‌ای است که در نتیجه آتش‌سوزی از بین رفته است، و از پدر به پسر آنرا تحت نام «شهر سوخته» می‌شناختند.

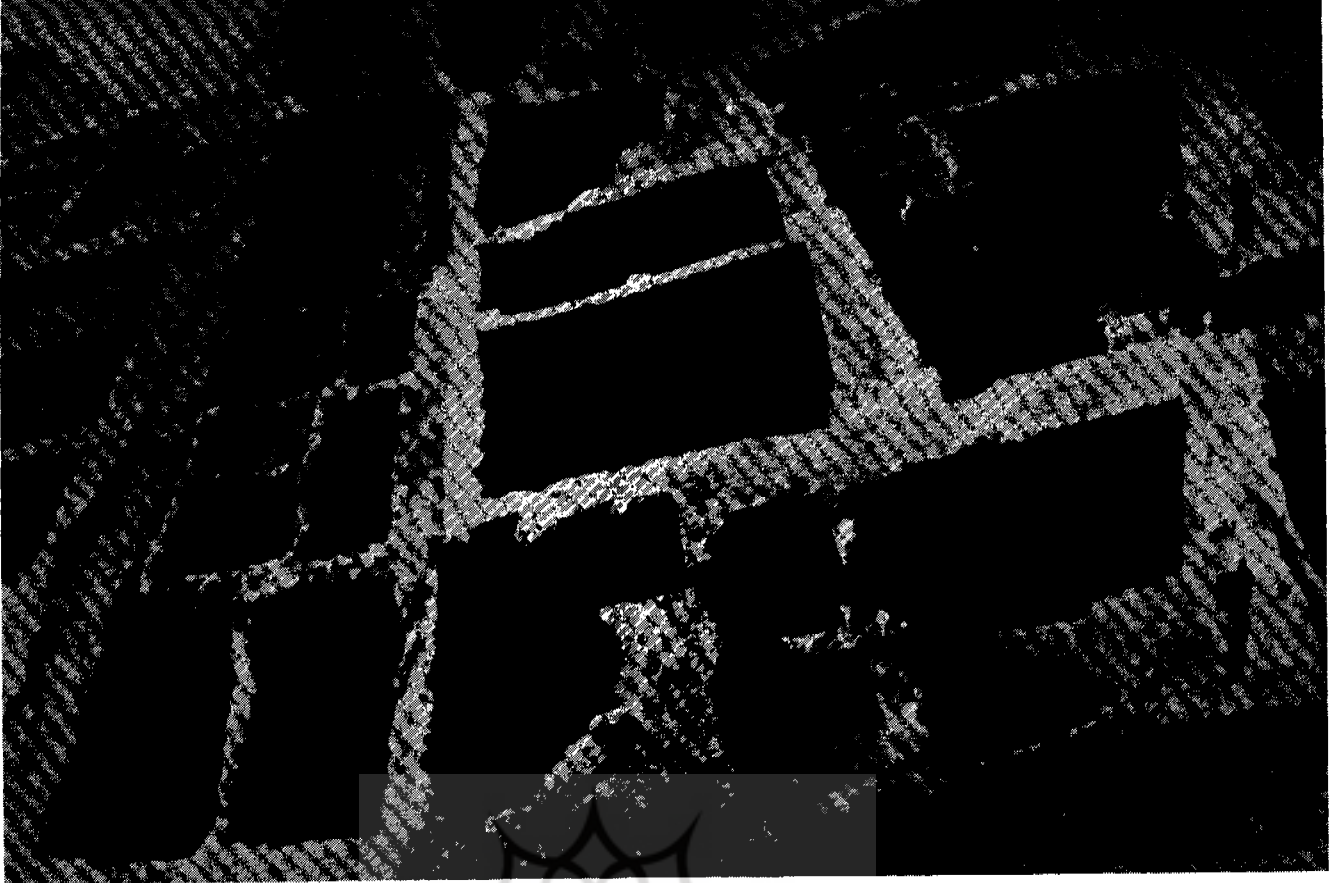
کاوش‌های اخیر نشان داد که بلندی ویرانه‌های این شهر به ۷ متر از کف جلگه میرسد. رود هیلمند، همانطوری که در «شهاد» اتفاق افتاده بود، مسیر خود را عوض کرد، و ناچار ساکنان این ناحیه نیز تغییر مسکن دادند، و حیوانات و پرندگان نیز آن ناحیه را ترک کردند و آنرا به دست باد و شن و نمک بیابان سپردند، و همین امر موجب شد که ما امروز موفق شده‌ایم به راز زندگی انسان‌های پنج هزار سال پیش در زیر این پوشش خاکی دست یابیم، همانطور که تمدن پیشرفته مصر قرن‌ها در زیر خاک دست‌نخورده پنهان ماند تا امروز باستان‌شناسان پاره‌زار اسرار آن برداشتند.

پس از اینکه کاوش‌ها در این مکان آغاز شد در حدود چند میلیون قطعات شکسته سفال از زیر خاک بیرون آمد. در داخل اطاق‌ها، درخانه‌ها، تعداد بیشماری آثار زندگی از هر نوع

بتدریج این مطلب روشن میشود که جلگه بین‌النهرین نخستین مهد تمدن بشر نبوده است و کاوش‌های اخیر پاره‌زار بسیاری از رازهای نهفته در سرزمین فلات ایران برداشته است. «شهر سوخته» بطوریکه از اسم آن معلوم است، شهری است که روشن نیست در نتیجه چه حادثه‌ای سوخته و بصورت ویرانه‌ای درآمده، سپس قرن‌ها گذشت زمان آنرا فراموشی سپرده. حوادث طبیعی، خصوصاً بادهای موسمی قشری از شن شور کویر را بر روی آن پوشانده و چنان لایه ضخیمی بوجود آورده که در حدود چهل سال پیش وقتی دانشمندان گلیسی «اورل استین» خواست تحقیقی در مورد قدمت این شهر که بصورت تپه مرتفعی در میان کویر قرار داشت بعمل آورد، پس از کندوکاو مختصری چنین تصور کرد که بزمین بکر رسیده است و کاوش در آن مکان را رها کرده اظهار تعجب کرد از اینکه اطراف این تپه نمونه سفالی دیده میشود که بسیار قدیمی بنظر میرسد.

چهارده سال پیش «مؤسسه ایتالیائی روابط فرهنگی با شرق میانه» که ریاست آنرا دانشمند معروف و دوست بسیار نزدیک ایران «پروفیسور توچی» برعهده دارد تصمیم گرفت تحقیقاتی از نظر باستان‌شناسی در این مکان بنماید. این مؤسسه قبلاً در افغانستان و پاکستان کاوش‌های دقیقی بعمل آورده بود و علاقه داشت تحقیقات خود را تا قسمت‌های شرقی فلات ایران ادامه دهد. این کار را به عهده باستان‌شناس معروف ایتالیایی «دومینیکو فاجنو» واگذار نمودند و «پروفیسور توزی» دانشمند دیگر ایتالیایی مأمور کاوش در محل شد.

باستان‌شناسان ایتالیایی، پس از خاکبرداری، از روی



بخشی از خانه‌های « شهر سوخته » که از زلزله برون آورده شده‌است

شهر سوخته در فاصله بین ۲۹۰۰ تا ۱۹۰۰ سال پیش از میلاد مورد سکونت بوده است .

هزارسال ، نسبت به قدمت بشر، چیز فوق‌العاده‌ای نیست، ولی آنچه که بنظر ما فوق‌العاده می‌آید این است که در عرض مدت هزارسال مردم این ناحیه موفق شده‌اند شهر بزرگ و آبادی بوجود آورند که مردم آن به انواع صنایع دستی پرداخته و حکومت منظمی تشکیل داده بودند و پیرو مذهب واحدی شده روابط تجارتي و فرهنگی گسترده‌ای با نواحی مجاور خود ترتیب داده بودند .

نکته قابل توجه از نظر روشن شدن تاریخ سرزمین ایران این است که آثار مکشوف در « شهر سوخته » نشان می‌دهد که مردم این ناحیه در اوایل استقرارشان ، یعنی در حدود ۲۹۰۰ سال پیش از میلاد مسیح روابط بسیار نزدیک با مردم ترکمنستان داشته‌اند و در اواخر دوران وجودشان ، یعنی پیش از ۱۹۰۰ سال پیش از میلاد با مردم ساکن در دره پنجاب رابطه بسیار نزدیک پیدا میکنند .

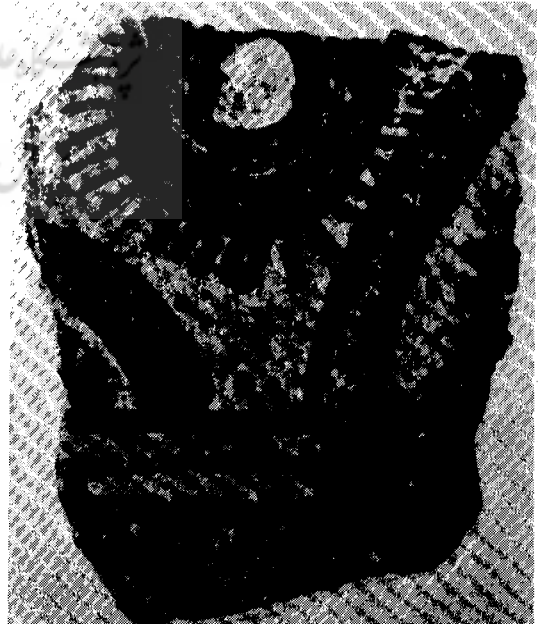
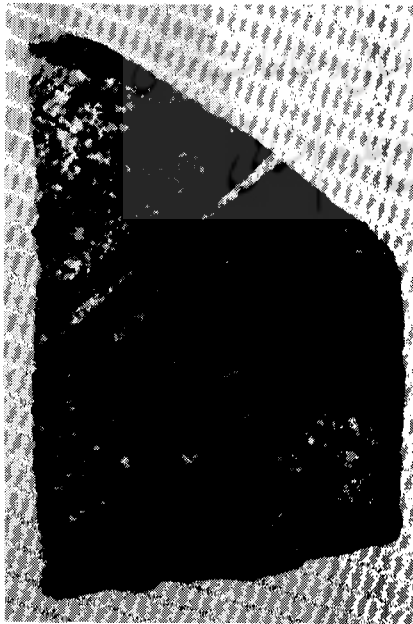
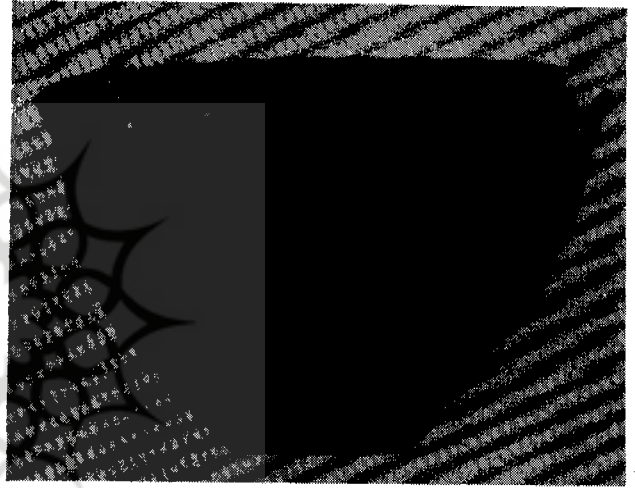
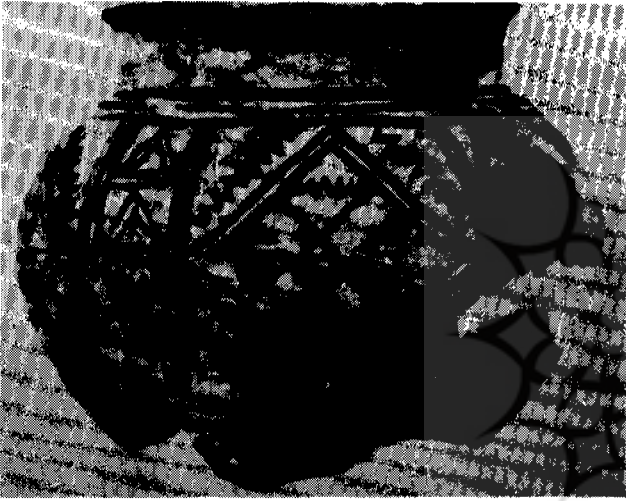
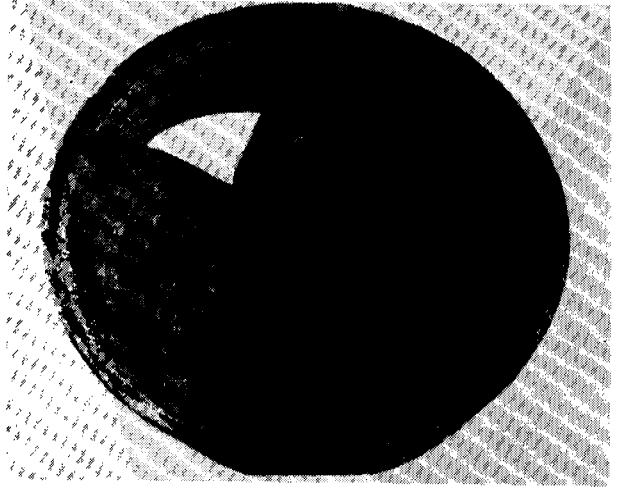
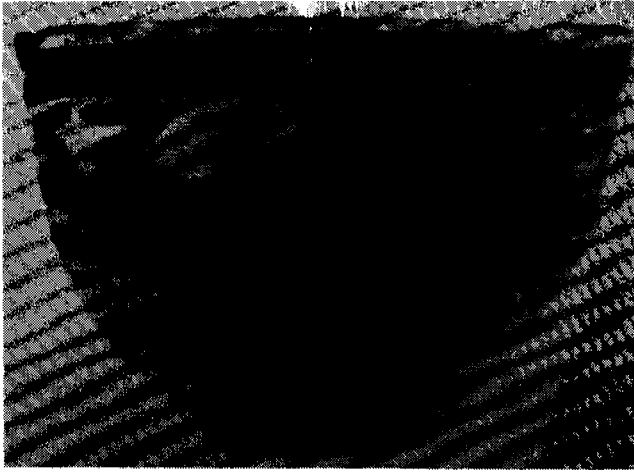
آیا میتوان از مطلب بالا اینطور نتیجه گرفت که اینها مردمی بودند که در حدود ۲۹۰۰ سال پیش از میلاد از سوی شمال به طرف دهانه رود هیرمند که در نتیجه شرایط بخصوصی برای شهرنشینی مناسب بود سرازیر شده‌اند ، و سپس هزارسال بعد ، در زمانی که مسیر رود هیرمند تغییر یافت این مردم به طرف

بدست آمد . اشیاء مختلفی از جنس پارچه و حصیر و شیشه در زیر پوشش نماند کاملاً سالم باقی مانده بود . برداشتن این پوشش نماند ممکن بود موجب شود که آثار مکشوف در نتیجه تماس با هوای آزاد از بین برود . بنابراین لازم بود تدابیر مخصوصی برای حفظ آنها بعمل آید .

در حدود دو میلیون اشیاء مختلف تحت آزمایش‌های مخصوصی قرار گرفت و برای حفظ آنها اقدامات لازم بعمل آمد . میان این اشیاء تعدادی استخوان‌های ریز نیز وجود داشت و لازم بود مشخص شود این استخوان‌ها مربوط به کدام حیوان یا پرند یا جان‌داری بوده و کارشان در این اطاق‌ها چه بوده است . در این موقع اینطور بنظر رسید که انجام این کار از عهد باستان‌شناسان به تنهایی بر نخواهد آمد . بهمین منظور بود که در حدود ده نفر از متخصصان مختلف ایتالیایی به محل کاوش آمدند و با میکروسکوپ‌ها و بوسیله تجزیه‌های « رادیو کاربون » مشغول مطالعه زندگی ۵۰۰۰ سال پیش در این مکان گردیدند .

در همین اوان بود که متخصصان ژاپنی نیز علاقمند به کاوش‌های « شهر سوخته » شدند و زمین‌شناسان و متخصصان « فیزیک هسته‌ای » به همکاری با متخصصان ایتالیایی پرداختند و نمونه‌های بدست آمده را از طریق روش‌های « پالئوماگنتیک » و « اورانیوم ۲۳۸ » تحت بررسی قرار دادند .

بررسی‌های دانشمندان مزبور نشان داد که بصورت دقیق



ظروف سفالین « شهر سوخته »
با ظروف سفالین مکشوف در دره
پنجاب شباهت دارند. نقش
خورشید که روی یکی از این
سفالها نشان داده شده در روی
ظروف سفالین شهداد نیز دیده
می‌شود. شباهت این نقوش با
نقوش ظروف گلی بین‌النهرین
کمتر است

دره پنجاب مهاجرت کردند و در آنجا امپراطوری بزرگ «موهنجودارو» و «هاراپا» را تشکیل دادند.

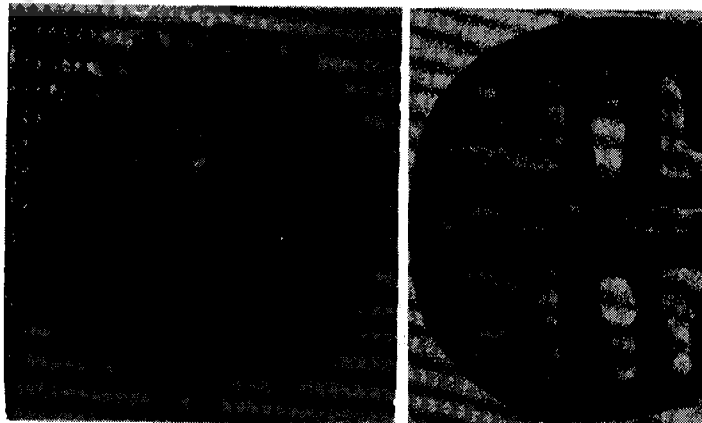
باید بخاطر داشته باشیم که تمدن شهداد نیز در همین حدود اوایل هزاره سوم پیش از میلاد در نتیجه تغییر مسیر رودخانه ازین رفت و در آن زمان مردم شهداد با مردم پنجاب روابط نزدیک داشته اند.

برای انجام تحقیقات بیشتر، دانشمندان ایتالیایی باستان شناسان شوروی که در ترکمنستان مشغول کاوش بودند تماس گرفتند. تحقیقات دقیق باستان شناسان شوروی رابطه مردم شهر سوخته با مردم ترکمنستان در اوایل هزاره سوم پیش از میلاد را تأیید نمود.

مردم سیستان در این مدت با مردم ساکن بین دو رود دجله و فرات روابط تجارتي داشته و این روابط از راه زمینی و دریایی کنار خلیج فارس انجام میگرفت. مردم بین النهرین از همین طریق از سنگ لاجورد افغانستان استفاده مینموده اند. ولی تمدن سیستان را نمیتوان وابسته به تمدن جلگه بین النهرین یا مصر دانست، زیرا در این مکان خصوصياتی وجود داشته است که آنرا کاملاً متمایز مینماید.

وجود تعداد زیاد اشیاء بسیار کوچک که بعضی از آنها بیش از ۲ میلیمتر در ۲ میلیمتر عرض و طول ندارند موجب شد که از یک متخصص «پالئوبوتانیست» نیز کمک خواسته شود. آزمایش های میکروسکوپی نشان داد که در این اجتماع ماهی ها و پرندگان و خرچنگ ها نیز مورد استفاده غذایی بوده است. در میان حیوانات استخوان های بز و غزال و گوسفند ۹۹ درصد باقی مانده های حیوانی در این ناحیه را تشکیل میداده اند. بین پرندگانی که در اینجا مورد مصرف اهالی بودند مرغ های آبی،

نقوش بالا با احتمال قوی نشانه ای از خورشید، یا مفهوم دیگری است که اکنون بر ما پوشیده است. نقش خورشید بصورت صلیب در بسیاری از نقاط فلات ایران دیده می شود و احتمالاً مربوط به پرستش خورشید در آن زمان های کهن می باشد.



هنر و مردم

قراول، مرغابی و غاز وجود داشته است که بیشتر آنها میتوانستند اهلی بوده باشند. ضمناً وجود هزاران پیکان سنگی نشان میدهد که شکار پرندگان در میان ساکنان این ناحیه بسیار رواج داشته است.

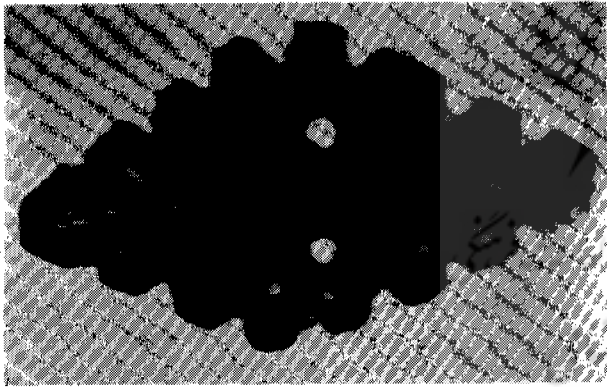
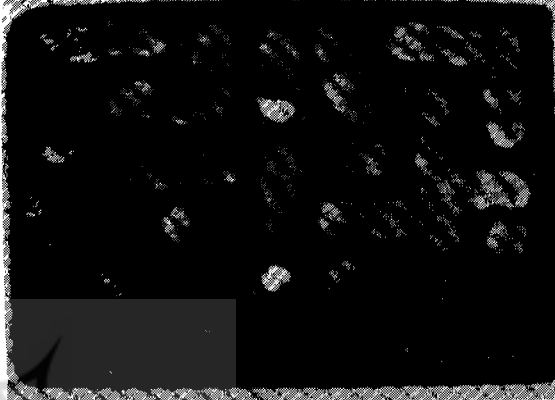
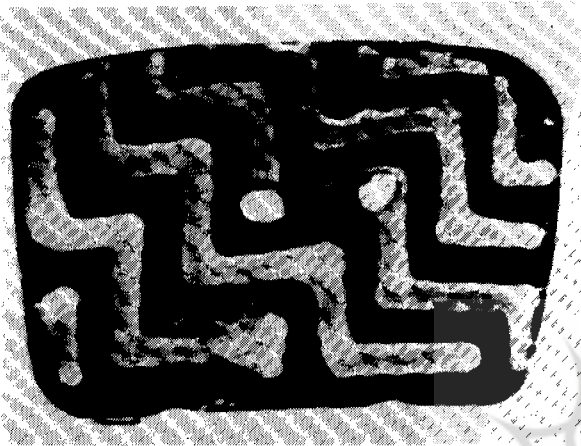
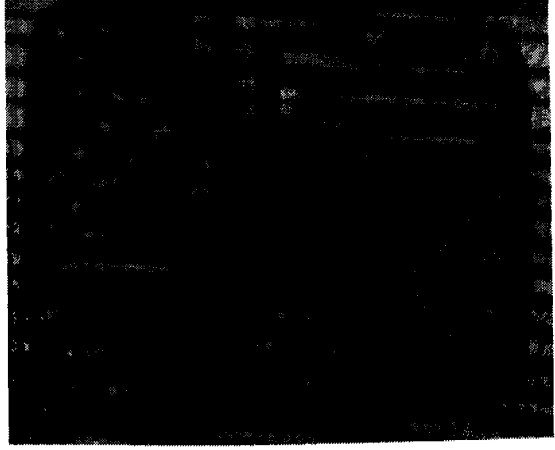
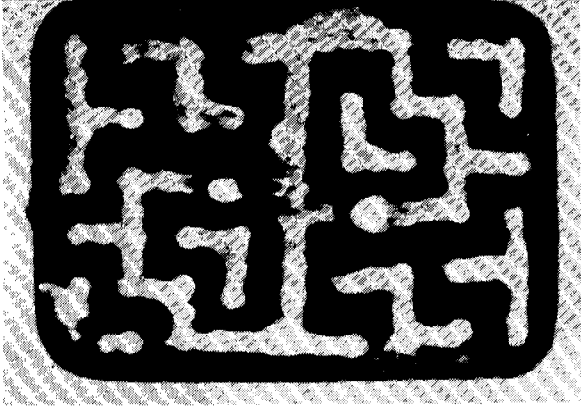
دانشمند پالئوبوتانیست «لورنز وکنستاین» مطالعه این آثار را برعهده گرفت و برای این کار به سیستان آمد و باستان شناسان پند فیلسوف جهان کهن «اپیکور» یا «ایمتور» را سرلوحه برنامه خود قرار دادند و آن این بود که «از اشیاء کوچک به حقایق بزرگ دست یابند».

مجموع سطحی که از این نظر باید مورد بررسی قرار گیرد در حدود ۱۰۰ هکتار وسعت دارد. میلیون ها آثار بسیار کوچک از استخوان و چوب و صدف و چوب و نظایر آن تحت بررسی دانشمندان ایتالیایی قرار گرفت.

باستان شناسان در این مکان آثار دانه های گندم و جو و شادانه و تخم خربوزه و حتی انگور نیز پیدا کردند. این امر برای دانشمندان باستان شناس مسلم گردید که پرندگان و حیواناتی که آثارشان در شهر سوخته بدست آمده در حال حاضر دیگر در این مکان زندگی نمیکنند.

اشیاء دیگری که ساخت دست انسان بوده است و از جنس فیروزه یا سنگ لاجورد است در شهر سوخته بدست آمده است. کاوش کنندگان فکر میکنند که وسعت این شهر به ۷۰ هکتار میرسیده است. در طرف جنوب و مغرب آن مردگان بخاک سپرده شده اند. با تخمینی که زده شده احتمال دارد که در حدود ۲۱۰۰۰ قبر در این ناحیه وجود داشته باشد. با کمک متخصصان «پالئوپاتولوژیست» و «آنتروپولوژیست» بسیاری از مطالب مربوط به زندگی در این ناحیه با مطالعه اسکلت ها روشن شد. به این وسیله توانستند بفهمند صاحبان این قبرها تقریباً از چه گروه نژادی بوده اند. سن مردگان در قبرهایی که شکافته شد نیز تشخیص داده شد و نسبت تعداد مردان به زنان و کودکان معین گردید. پروفیسور «توچی» تصمیم دارد از متخصصان دیگری نیز کمک بخواهد که با معاینه استخوان ساق پاها بتوانند گروه خونی این مردگان را مشخص نمایند. مثلاً معلوم شد در زمان معینی یک مرض مسری موجب مرگ تعداد زیادی کودکان و نوجوانان شده و آنها را بخاک سپرده اند. استخوان جنینی را در شکم مادرش که حامله بوده و مرده است تشخیص دادند. این نوع تحقیقات در مورد مردگان ممکن است نتایج بسیار جالبی در برداشته باشد و در علم باستان شناسی تازگی دارد. بنابر تخمینی که زده اند در قبرستانی که مورد تحقیق قرار گرفته ۵۵ درصد از ۶۰ اسکلتی که بیرون آمده کودکان کمتر از نه ساله بوده اند، یک اسکلت از مرد ۲۰ ساله بوده، یک کودک پنج ساله بخاک سپرده شده و در یک گور دونفر قرار داده شده اند.

تحقیقات باستان شناسان نیز نشان داده است که تعداد زیادی



از ساکنان شهر سوخته بکارهایی اشتغال داشته‌اند که مربوط به قوت و غذا نبوده است. صنعت کوزه‌گری، حصیربافی، سنگ‌تراشی و تهیه جواهرات و زینت‌آلات از سنگ‌لاچورد یا فیروزه عده‌ای از صنعتگران شهر سوخته را به خود مشغول می‌ساخته است.

تحقیقات باستان‌شناسان در ناحیه سیستان راه جدیدی برای بازسازی کردن زندگی مردم پیش از تاریخ فلات ایران باز نموده است. برای آنان مهم نیست که اشیاء مختلفی را که از نظر هنری ارزشی دارد از زیر خاک بیرون آورده در موزه‌ها قرار دهند. آنها می‌خواهند بوسیله میکروسکوپ، نجریه‌های مختلف از طریق رادیوکاربون، و مطالعه دقیق با روش‌های بسیار جدید روی آثار ناچیز مانند ریزه‌های استخوان‌های پرندگان یا باقی‌مانده حیوانات و چوب و غیره زندگی مردم آن ناحیه را در آن روزهای بسیار کهن معرفی نمایند.

رود هیرمند پیش از آنکه در میان شزارهای سیستان نابود گردد، در جلگه‌های مجاورش وضعی شبیه به دره نیل بوجود آورده بود، به این معنی که در مواقع معینی در نتیجه بالا آمدن سطح آب زمین‌های واقع در کنار آن مشروب میشد و خاک را حاصل‌خیز میکرد و این امر سبب شده بود که ساکنان این ناحیه بتوانند به کار زراعت بپردازند و در مرحله شهرنشینی موفق به پیشرفت‌هایی گردند.

این نکته قابل توجه است که شهر سوخته تنها نقطه از ناحیه جنوب ایران نبوده است که در هزاره چهارم پیش از میلاد به درجه نسبتاً بلندی از تمدن رسیده بوده است.

اینها شاید علاماتی باشند که برای مردم آنروز مفهوم مشخصی داشته‌اند و در واقع میتوانند بصورت مراحل اولیه «خط» معرفی گردند

در مجاورت نزدیک یا دور از شهر سوخته در نقاطی مانند «تپه یحیی» و «تل ابلیس» و بم و شهداد کاوش‌هایی انجام گرفته است که حاکی از وجود تمدن پیشرفته‌ای در ناحیه وسیع جنوب ایران و سواحل خلیج فارس بوده است. اکنون وقت آن رسیده است که خصوصیات این تمدن بوسیله باستان‌شناسان جوان ما مشخص و معرفی گردد.